



# پیوستگی سوره

## تحولی در تفسیر قرآن در قرن بیستم<sup>۱</sup>

مستنصر میر<sup>۲</sup> ترجمه: محمدحسن محمدی مظفر<sup>۳</sup>

بنابراین ممکن نیست پیوند و ارتباط داشته باشد. یکی از مشایخ زرکشی، که سیوطی وی را ولی الدین ملوی دانسته<sup>۸</sup>، این

۱. مشخصات کتابشناختی اصل این مقاله چنین است:

mustansir, Mir, "The Surah as Unity", in *The Koran, critical concepts in islamic studies*, ed. by colin turner, Frist Published 2004 by Routlege Curzon, vol 4 p. 198 -209.

۲. مستنصر میر پاکستانی الاصل و استاد مطالعات اسلامی در دانشگاه بانگ استون استیت در اهایو است. برخی از آثار وی عبارت اند از: انسجام در قرآن، بررسی مفهوم نظم از نظر اصلاحی در تدبر قرآن (ایندیاناپولیس ۱۹۸۶)؛ فرهنگ اصطلاحات و مفاهیم قرآنی (۱۹۸۷)؛ لاله‌ای در بیابان، منتخبی از اشعار محمد اقبال (لندن ۲۰۰۰)؛ و مقالات: ادبیات قرآن، شوخی در قرآن؛ طنز در قرآن، پژوهشی در قصه یوسف؛ گفت و گو در قرآن؛ وی همچنین مقالاتی در دائرة المعارف قرآن انگلیسی ۵ جلدی (چاپ لیدن) دارد.

۳. عضو هیئت علمی مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

4. Cf. Mohammad Arkoun, 'Jusqu'au XIXe siecle, la pensee arabe s'inscrit dans un espace mental qu'on peut qualifier, avec quelques correctifs, de medieval.' In *La pensee arabe*, 3rd ed., Paris 1985; (1st ed. 1975), p.3.

۵. بدرالدین زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۴ جلد در ۲ جلد، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ دوم، مصر ۱۹۳۱/ ۱۹۷۲.

۶. جلال الدین سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۲ جلد، لاهور ۱۹۷۴ (افست از چاپ مصر).

۷. عنوان زرکشی چنین است: معرفة المناسبات بین الآیات، و عنوان سیوطی: فی مناسبات الآیات و السور.

۸. سیوطی، ج ۲، ص ۱۰۸.

تفسیر قرآن در قرن بیستم با سبک تفسیر سنتی که به طور کلی می توان گفت از قرون اولیه اسلامی تا پایان قرن نوزدهم ادامه داشت<sup>۴</sup>، قطع رابطه کرده است. یک جلوه این قطع ارتباط تلقی سوره های قرآن به عنوان واحدهای پیوسته است. من با بررسی آثار چند تن از مفسران معاصر بحث خواهم کرد که این تلقی اکنون در تفسیرهای جدید قرآن نسبتاً جا افتاده است. این بررسی به چهار بخش تقسیم می شود. بخش نخست پیشینه تاریخی کوتاهی را عرضه می کند. در بخش دوم توصیفات از جنبه های مربوط به آثار شش تن از مفسران جدید قرآن ارائه می شود. بخش سوم تحلیلی از آن توصیفات است و بخش چهارم دربردارنده ملاحظات کلی است.

### مقدمه

تلقی سوره ها به عنوان واحدهای پیوسته به خودی خود تلقی تازه ای نیست. زرکشی (۷۴۵-۷۴۹/۱۳۴۴-۱۳۹۱) در برهان<sup>۵</sup> فصل کاملی را به این موضوع اختصاص داده و سیوطی (م ۹۱۱/ ۱۵۰۵) نیز در اتقان<sup>۶</sup> که تلخیص و تجدید نظری در کتاب زرکشی<sup>۷</sup> است. همین کار را کرده است. زرکشی اختلاف علما را در این موضوع نقل می کند. عزالدین بن عبدالسلام (۵۷۷-۱۶۶۰/ ۱۸۱۱-۱۲۶۲) استدلال کرده که قرآن در طول بیش از بیست سال و در شرایط بسیار متفاوتی نازل شده است،

تفسیر قرن بیستم: توصیف

شماری از مفسران قرآن در قرن بیستم سوره‌ها را واحدهای پیوسته دانسته و لذا از ترتیب متداول آیات در سوره‌ها دفاع کرده‌اند<sup>۱۸</sup>. شاید افراد ذیل مهم‌ترین آنها باشند: اشرف علی

۹. زرکشی، ج ۱، ص ۳۷.

۱۰. همو، ج ۱، ص ۳۵، ۳۶، ۴۰-۴۳، ۴۵-۵۱.

۱۱. همو، ج ۱، ص ۳۶.

۱۲. همو، ج ۱، ص ۳۵؛ سیوطی (ج ۲، ص ۱۰۸) نام این کتاب را چنین گفته: البرهان فی مناسبات ترتیب سور القرآن.

۱۳. زرکشی، ج ۱، ص ۳۶؛ سیوطی (ج ۲، ص ۱۰۸) به نام‌هایی که زرکشی ذکر کرده، نام برهان الدین ابراهیم بن عمر بقاعی (۸۰۹-۸۸۵/۱۴۰۶-۱۴۸۰)، نویسنده نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور (این تفسیر قرآن اکنون در ۲۲ جلد [حیدرآباد ۱۳۸۹-۱۴۰۴/۱۹۶۹-۱۹۸۴] چاپ شده است) را می‌افزاید و می‌گوید: یکی از کتاب‌های خودش شرح جامعی از این موضوع را در بردارد.

۱۴. تقی‌الدین احمد بن عبدالحلیم بن تیمیه (۶۶۲-۷۲۸/۱۲۶۲-۱۳۲۷)، مقدمة فی اصول التفسیر، دارالقرآن الکریم، بیروت، ۱۳۹۲/۱۹۷۲.

۱۵. درست است که رازی گاهی از فهم خود از روابط آیات برای تأیید یا رد تفسیر خاصی از قرآن استفاده می‌کند و بدین سان به نظر می‌رسد که نظم را به مشابه اصلی هرمنوتیکی تشبیه می‌کند؛ برای نمونه‌ای مناسب بنگرید به:

Anthony Johns, 'David and Bathsheba: a case study in the exegesis of quranic story-telling' *MIDEO*, XIX [1989], pp. 245ff.

ولی علی القاعده رازی (و دیگرانی که پا در جای پای او می‌گذارند) آماده است که آنچه من آن را رویکرد موردی (ad hoc) به این موضوع نامیده‌ام، اختیار کند و اصلاً تلاش نمی‌کند که نظم را به عنوان اصلی به طور مداوم قابل کاربرد بسط دهد. قس. تفسیر رازی از آیات ۱۶-۱۹ سوره قیامت در کتاب من:

*Coherence in the Qur'an: a study of Islahis concept of Nazm in Tadabbur-i Qur'an*. indianapolis: Indiana, 1986, pp. 114-115.

۱۶. نظام‌الدین بن الحسن النیشابوری (م ۷۲۸/۱۳۲۷)، اثیرالدین ابو عبد الله محمد بن یوسف، معروف به ابو حیان (۶۵۴-۷۴۵/۱۲۵۶-۱۳۴۴)، شمس‌الدین محمد بن محمد الشربینی (م ۹۷۷/۱۵۶۹).

۱۷. بنگرید به Mir, pp. 17-18, 19. نام مهم دیگری که باید به این فهرست افزوده شود، نام بقاعی (بنگرید به ش ۱۰ بالا) است که دغدغه اصلی‌اش در نگارش نظم الدرر آن بود که اثبات کند قرآن از نظم چشمگیری برخوردار است. این تفسیر، شایسته بررسی جداگانه‌ای است و من در نظر دارم در آینده نزدیک پژوهشی درباره آن انجام دهم. در اینجا کافی است بگویم که تفسیر بقاعی در تثبیت نظم به عنوان اصل عموماً پذیرفته شده در تفسیر قرآن، از تفسیر رازی یا دیگر مفسران قرآن موفق‌تر نبوده است.

۱۸. بیشتر این مفسران سعی می‌کنند ترتیب رایج سوره‌ها را نیز تأیید کنند، ولی این موضوع هر چند مهم و بی‌ارتباط با موضوع مورد بحث ما نیست، خارج از حیطه مقاله کنونی است.

استدلال را نادرست می‌داند و می‌گوید که هر چند وقایع تاریخی، ترتیب نزول وحی‌های قرآنی را تعیین می‌کرده، ولی در چنین آنها ملاحظه حکمت شده است (و فصل الخطاب آنها علی حسب الوقائع تنزیلاً و علی حسب الحکمة ترتیباً)<sup>۹</sup>. خود زرکشی از علم‌المناسبه با لحنی کاملاً موافق سخن گفته و انواعی از مناسبات را که می‌توان در قرآن یافت، شناسایی کرده است<sup>۱۰</sup>؛ ولی او می‌پذیرد که به جهت ماهیت دشوار این علم، اندکی از علما به آن پرداخته‌اند (و قد قل اعتناء المفسرین بهذا النوع لدقته)<sup>۱۱</sup>.

به گفته زرکشی از جمله کسانی که به این علم پرداخته‌اند، عبارت‌اند از: ابو جعفر بن الزبیر استاد ابو حیان، که کتابی در این موضوع نگاشت<sup>۱۲</sup>؛ ابوبکر بن العربی، که از عدم توجه مردم به علم‌المناسبه شکوی داشت؛ ابوبکر نیشابوری که از عالمان بغداد به سبب جهل شان به مناسبات آیات خرده می‌گرفت و فخرالدین رازی که معتقد بود ترتیب آیات قرآن پر از نکات و لطائف است (اکثر لطائف القرآن مودعة فی الترتیبات و الروابط). او در تفسیرش معمولاً ارتباط آیات را با یکدیگر شرح می‌دهد<sup>۱۳</sup>.

البته از گزارش زرکشی کاملاً روشن می‌شود که علم‌المناسبه را تنها اندکی از مفسران گسترش دادند و این علم هیچ‌گاه به رتبه جریان غالب در اندیشه مفسران بار نیافت. آثار مربوط به اصول تفسیر، مثل مقدمة فی اصول التفسیر<sup>۱۴</sup> از ابن تیمیه هیچ اشاره‌ای به این علم ندارند و تلاش‌های رازی برای این که در سنت تفسیری برای این علم جایگاه شایسته‌ای باز کند، ناکام ماند. در اینجا سخنی درباره روش رازی مناسب است.

روش رازی در برقراری مناسبات میان آیات قرآن را می‌توان خطی-اتم‌انگاره (linear-atomistic) توصیف کرد: او آیه دوم را به آیه اول ربط می‌دهد و آیه سوم را به آیه دوم و همین‌طور تا پایان سوره. با این کار، توجه رازی در هر زمان خاص بر دو آیه (یا دو فقره) متمرکز است. در چنین روشی، که صرفاً متوجه برقراری ارتباطات موردی میان آیات است، با دیدن درختان از جنگل-آیات از سوره-غفلت می‌شود و لذا نمی‌تواند به شکل‌گیری رویکردی اندام‌وار به سوره‌های قرآن، بینجامد<sup>۱۵</sup>. تعجبی ندارد که دیگرانی که از همین مسیر رفته‌اند، خواه نظام‌الدین نیشابوری، ابو حیان و خواه شربینی<sup>۱۶</sup> به نتایجی رسیده‌اند که با یافته‌های رازی تفاوتی ندارد<sup>۱۷</sup>. و تعجبی ندارد که حتی پس از آثار رازی و دیگران، تفسیر سنتی قرآن خصیصه اتم‌انگاره‌اش را نگه داشته است.

ثنوی، حمیدالدین فراخی و امین احسن اصلاحی از هند و پاکستان؛ عزت دروزه و سید قطب از مصر؛ و محمد حسین طباطبایی از ایران<sup>۱۹</sup>. همه این نویسندگان، به جز فراخی، تفسیرهای کاملی بر قرآن نوشته اند؛ تفسیرهای ثنوی و اصلاحی به زبان اردو، و تفسیرهای سه نفر دیگر به عربی است. فراخی تصمیم داشت تفسیر کاملی بنویسد که مرگ او را از انجام این کار باز داشت. ولی کار تأثیرگذار او در پس تفسیر شاگردش، اصلاحی، قرار دارد. چنان که اصلاحی می نویسد: تفسیر خود را برای تکمیل طرحی که استادش آغاز کرده بود، نوشت.

### ثنوی<sup>۲۰</sup>

ثنوی در مقدمه بر بیان القرآن خود می گوید که با نوشتن تفسیرش (باللتزام) توضیح داده که در هر سوره، هر آیه ای با آیات قبل و بعدش مرتبط است. به این منظور او همواره کلمه ربط را که با حروف درشت چاپ شده، به کار می برد تا عنوانی برای اشاره به بحث درباره این ارتباطها باشد. مانند این که او وحدت سوره ۳۱ (لقمان) را چنین شرح می دهد: این سوره درباره قرآن سخن می گوید و یکی از تعالیم عمده آن یعنی یگانگی خدا (توحید) را بیان می کند. این سوره به چهار بخش قابل تقسیم است: آیات ۱-۹، ۹-۱۲، ۲۰-۳۲، ۳۳-۳۴. بخش نخست با تمجید از قرآن آغاز می شود و در ادامه به ستایش از مؤمنان به قرآن و انتقاد از غیر مؤمنان می پردازد و در پایان این بخش به بیان کیفر غیر مؤمنان و پاداش مؤمنان می انجامد. بخش دوم موضوع توحید را مطرح می کند و بخش سوم با نقل داستان لقمان آن موضوع را ادامه می دهد. لقمان نخست پسرش را تعلیم می دهد که در موضوع توحید ثابت قدم باشد و سپس برخی از دستورات عملی را که مکملی بر تعلیم نظری توحید هستند، به او می آموزد. در همین بخش عقیده باطل بت پرستی با توحید مقایسه شده است. در بخش آخر بت پرستان از روز حساب بر حذر داشته شده اند<sup>۲۱</sup>.

### سید قطب<sup>۲۲</sup>

سید قطب در مقدماتی که بر سوره ها نوشته است، مکرراً از آنچه آن را محور (تر اصلی) سوره می نامد، بحث می کند. خود گزینش این کلمه حاکی از آن است که به نظر او هر سوره بر اندیشه ای اصلی مبتنی است و با توجه به آن باید فهم شود<sup>۲۳</sup>. سوره ۲۵ (فرقان) به نظر سید قطب به پیامبر در مبارزه اش علیه قریش - که او را متهم و آزاده می ساختند - تسلی می دهد (ایناس لرسول الله). سید قطب پس از ذکر نمونه هایی از این تسلی در

آغاز این سوره، می گوید:

هذه فی ظلال السورة و ذلك هو محورها الذی تدور علیه و موضوعها الذی تعالجه و هی وحدة متصلة يصعب فصل بعضها عن بعض<sup>۲۴</sup>.

وی سپس سوره را به چهار بخش (اشواط) تقسیم می کند: آیات ۱-۲۰، ۲۱-۴۴، ۴۵-۶۲، ۶۳-۷۷. این سوره با انتقاد از قریش، به پیامبر تسلی می دهد. در بخش اول عقاید قریش غیر قابل دفاع نشان داده شده است به گونه ای که وقتی بلافاصله پس از آن در همین بخش، انتقاد قریش از پیامبر نقل می شود، این انتقاد تلخی خود را از دست داده است. بخش دوم با نقل انتقاد قریش از خدا که چرا شواهد مورد درخواست شان را نازل نمی کند، و با بیان کیفی که در انتظار قریش است، دوباره به پیامبر تسلی می دهد. قریش متکبر در واقع خدا را به مبارزه می طلبیدند؛ خدایی که می داند چگونه با آنان رفتار کند و در نبرد علیه آنان همراه پیامبر است. بخش سوم با توجه به وجود شواهد

۱۹. همچنین می توانیم نام های سعید حوی، نویسنده تفسیر الأساس فی التفسیر (۱۱ جلد؛ قاهره ۱۴۰۵/۱۹۸۵) و سید محمد باقر حجتی و عبدالکریم بی آزار شیرازی نویسندگان تفسیر فارسی به نام تفسیر کاشف (۷ جلد؛ تهران ۱۳۶۳/۱۹۸۴) که جلد ۱ آن عنوان فرعی دارد: ترمیمی از چهره موزون سور قرآن و روابط آیات) را ذکر کنیم. تفسیر اخیر از برخی «جلوه های ویژه» استفاده کرده و آیات قرآن را از طریق تصاویر و نقاشی ها توضیح می دهد.

۲۰. اشرف علی ثنوی (۱۲۸۰-۱۳۶۲/۱۸۶۳-۱۹۴۳) یکی از مشهورترین شخصیت های دینی هند و پاکستان بود و خیلی از دستدارانش به نشانه احترام او را حکیم الامه نامیدند. گفته شده که او بیش از هشتصد کتاب نوشته که طیف گسترده ای از نوشته های دینی اسلامی را دربر می گیرند. تفسیر او بر قرآن، بیان القرآن (۱۲ جلد، چاپ بازبینی شده؛ کراچی و لاهور ۱۳۵۳؛ چاپ اول ۱۳۲۶) یکی از آثار برجسته او است. این تفسیر هم زمان دو گروه از خوانندگان، عالم و عامی، را مخاطب خود می داند. متن اصلی که متشکل از ترجمه و توضیحی و بحث هایی درباره موضوعات مهم است، برای خوانندگان معمولی و به زبان اردو است؛ یادداشت ها که به مسائل فنی گوناگونی می پردازد، برای اهل علم و به زبان عربی است.

۲۱. ثنوی، ج ۹، ص ۱۶-۱۸.

۲۲. سید قطب (۱۳۲۴-۱۳۸۶/۱۹۰۶-۱۹۶۶) رهبر معروف اخوان المسلمین مصر، به اتهام آشوبگری از سوی حکومت مصر اعدام شد. تفسیر او بر قرآن، فی ظلال القرآن (۶ جلد؛ بیروت ۱۳۹۲-۴/۱۹۷۳) که حاوی برخی ویژگی های ادبی قرآن است، در جهان عربی و اسلامی خیلی رواج دارد.

۲۳. گاهی او از واژه محور استفاده نمی کند، ولی از توصیفات دیگری برای رساندن همین مفهوم استفاده می کند، مثلاً (در سوره شعراء): موضوع هذه السورة الرئيسية هو... (ج ۵، ص ۲۵۸۳).

۲۴. همو، ج ۵، ص ۲۵۴۶.

خداست. در بخش دوم (۱۴-۴۰) هفت تن از پیامبران پیشین و امت‌هایشان به عنوان مصادیقی از آن سنت الهی ذکر شده است. بخش سوم (۴۱-۵۵) مکمل بخش قبلی است و به بی‌اساس بودن عقاید امت‌های هلاک شده اشاره دارد. تا اینجا سوره مذکور آن مؤمنانی را که به جهت ترس از فتنه از دین برگشته‌اند توییح می‌کند. بخش بعدی (۵۶-۶۰) خطاب به سایر مؤمنانی است که در مکه زیر ستم قریش بودند. این بخش به آنان دستور استقامت می‌دهد و می‌افزاید که در صورت لزوم از مکه هجرت کنند. بخش پایانی (۶۱-۶۹) که خطاب به پیامبر- و از طریق او به کل امت اسلامی- است، اندیشه‌ی ارائه شده در بخش اول را از سر می‌گیرد.

### فراخی و اصلاحی<sup>۳۲</sup>

به نظر فراخی هر سوره مضمونی اصلی دارد که وی آن را عمود می‌نامد. همه آیات یک سوره به طور لازم و ملزومی با

۲۵. همو، ج ۵، ص ۲۵۴۷.
۲۶. محمد عزت دروزه، التفسیر الحدیث (۱۲ جلد؛ مصر ۳-۱۳۸۱/۴-۱۹۶۲). در این تفسیر سوره‌ها بنا بر ترتیب نزول شان تفسیر شده‌اند.
۲۷. همو، ج ۱، ص ۷.
۲۸. همو، ج ۱، ص ۱۲۹.
۲۹. محمدحسین طباطبائی (۱۳۱۲-۱۴۰۲/۱۴۰۳-۱۹۸۱) عالم برجسته ایرانی معاصر، تفسیر مفصلی بر قرآن نوشته است، المیزان فی تفسیر القرآن، ۲۰ جلد، بیروت ۴-۱۳۹۳/۴-۱۹۷۳؛ جلد ۲۱ که در ۱۹۸۵ چاپ شده، شامل نمایه موضوعی مفصلی بر این تفسیر است.
۳۰. همو، ج ۱۶، ص ۹۸.
۳۱. همو، ج ۱۶، ص ۹۸-۱۵۲.
۳۲. حمیدالدین فراخی (۱۲۸۰-۱۳۴۹/۱۳۴۹-۱۸۶۳-۱۹۳۰) که بیرون از هند و پاکستان کمتر شناخته شده است، مشارکت قابل توجهی در تفسیر قرآن داشته است. در چند رساله دیدگاهش را درباره پیوستگی اندام وار در قرآن عرضه کرده و از آن دفاع نموده است. فراخی که چارچوبی نظری برای تفسیر قرآن پدید آورده بود، شروع به نوشتن تفسیری بر قرآن کرد ولی قبل از مرگش تنها توانست تعداد کمی از سوره‌ها را تفسیر کند. تفسیرهای او بر چهارده سوره کوتاه که (به جز یکی) به عربی نوشته شده و در مجلدات جداگانه‌ای چاپ شده، در ترجمه‌ای به زبان اردو قابل دستیابی است: مجموعه تفسیر فراخی (لاهور ۱۹۷۳) که شاگردش امین احسن اصلاحی آن را گرد آورده است.
- اصلاحی (متولد ۱۳۲۴/۱۹۰۶) به پیروی از اصول و روش‌های استادش، تفسیر کاملی بر قرآن نوشته است: ندب قرآن (۸ جلد؛ لاهور ۱۹۶۷-۱۹۸۰). برای شرح کوتاهی از زندگی فراخی و اصلاحی و بررسی مفصل‌تر دیدگاه‌هایشان بنگرید به کتاب من Coherence in the Qur'an (در زبان فارسی می‌توان به پژوهشی تازه منتشر شده در این باره مراجعه کرد: سید علی آقایی، «انسجام قرآن؛ رهیافت فراخی-اصلاحی در تفسیر» در پژوهش‌های قرآنی، ش ۵۰-۴۹، ص ۲۱۵-۲۵۹).

متضاد فراوان در طبیعت نشان می‌دهد که عقاید شرك آلود قریش چقدر پوچ است. این بخش نیز در صدد تسلی دادن به رسول خدا (ص) است. در بخش آخر نیز چنین بیان می‌شود که خدا به کسانی که او را به مبارزه می‌طلبند و قعی نمی‌نهد (هوان البشریة علی الله). سید قطب اظهار می‌کند:

وفي هذا الهوان تهوين لما يلقاه منهم رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فهو يتفق مع ظل السورة وجوهاً ويتفق مع موضوعها واهدافها على طريقة التناسق الفني في القرآن<sup>۲۵</sup>.

### دروزه<sup>۲۶</sup>

دروزه می‌گوید که برخی فکر می‌کنند در سوره‌های قرآن، چیدمان آیات و فقرات کاملاً بدون حساب و کتاب است. ولی او در بررسی‌های خود به عکس این مطلب متقاعد شده است، یعنی بیشتر آیات و فقرات در سوره‌ها مرتبط به هم‌اند (بأن أكثرها مترابط و منسجم). بنابراین دروزه در تفسیر قرآنش به توضیح چنین ارتباطات توجه ویژه‌ای دارد (الاهتمام لبيان ما بين آیات و فصول السور من ترابط)<sup>۲۷</sup>.

او سوره ۸۱ (تکویر) را به دو بخش تقسیم می‌کند: ۱-۱۴ و ۱۵-۲۹. ممکن است تصور شود که بخش دوم با بخش اول مرتبط نیست. ولی چنین نیست (والآية فصل مستقل الموضوع عن سابقته، غير أن الارتباط بينها وبين هذه السابقة قائم)؛ زیرا بخش اول مردم را از حادثه قریب الوقوع روز قیامت آگاه می‌کند و به آنها درباره محاسبه‌ای که در آن روز رخ خواهد داد، هشدار می‌دهد و بخش دوم خبرهای روز قیامت را تأیید می‌کند و اعتراض کافران را نسبت به آن هشدار رد می‌نماید<sup>۲۸</sup>.

### طباطبائی<sup>۲۹</sup>

طباطبائی همانند سید قطب می‌کوشد تا اندیشه اصلی یک سوره را شناسایی کند و آن را عرض می‌نامد. او این کار را از طریق بررسی آغاز سوره (بدء)، پایان سوره (ختام) و جریان کلی بحث آن (السياق الجاری) انجام می‌دهد. مثلاً با کاربرد این روش او عرض سوره ۲۹ (عنکبوت) را چنین شرح می‌دهد: ایمانی که مطلوب خداست صرف اقرار به زبان و گفتن آمناً بالله نیست، بلکه ایمانی حقیقی است که تحولات و فتنه‌ها آن را متزلزل نسازد<sup>۳۰</sup>. طباطبائی نیز معمولاً سوره‌ها را به بخش‌هایی تقسیم می‌کند. او سوره ۲۹ (عنکبوت) (در متن انگلیسی ۳۰ آمده که ظاهراً اشتباه است) را به پنج بخش تقسیم کرده است<sup>۳۱</sup>. بخش اول (آیات ۱-۱۳) می‌گوید که مؤمنان از امتحان و آزمایش در این دنیا معاف نیستند؛ زیرا امتحان کردن مردم سنت

عمود آن مرتبط اند و تنها هنگامی مفهوم کامل خود را آشکار می کنند که این عمود، کشف و محوریت آن در سوره تصدیق شود. برای مثال عمود سوره ۵۱ (ذاریات) پاداش الهی است، البته با تأکید بر جنبه تلافی گرانه پاداش. همه هفت بخشی که فراحی سوره ذاریات را به آنها تقسیم کرده (آیات ۱-۱۴، ۱۵-۱۹، ۲۰-۲۳، ۲۴-۳۷، ۳۸-۴۶، ۴۷-۵۱، ۵۲-۶۰) به این موضوع می پردازند؛ بخش نخست، عمود را مطرح کرده است و بخش های دیگر شواهدی برای آن هستند.<sup>۳۳</sup>

اصلاحی از فرض عمود، آن گونه که استادش مطرح کرده بود، آغاز می کند و می گوید که عمود هر سوره ای از قرآن را شناسایی و هر سوره را با توجه به عمود ویژه آن تفسیر کند. تلاش او احتمالاً بلندپروازانه ترین تلاش است که از سوی یک نویسنده جدید برای تثبیت سوره های قرآن به عنوان واحدهای پیوسته انجام شده است. از آنجا که من در جای دیگری با ارائه برداشت او از سوره ۴ (نساء) در این باره، به تلقی او از پیوستگی سوره پرداخته ام<sup>۳۴</sup>، در اینجا به بررسی کوتاه بخشی از تحلیل او از سوره بقره، دومین سوره قرآن، بسنده می کنم.<sup>۳۵</sup>

به نظر اصلاحی این سوره به یک مقدمه، چهار بخش اصلی و یک خاتمه بخش پذیر است. مقدمه: ۱-۳۹؛ خطاب به بنی اسرائیل: ۴۰-۱۲۱؛ میراث ابراهیمی: ۱۲۲-۱۶۳؛ شریعت: ۱۶۳-۲۴۲؛ آزادسازی کعبه: ۲۴۳-۲۸۳؛ خاتمه: ۲۸۴-۲۸۶. تبیین بخش سوم از چهار بخش اصلی (آیات ۱۶۳-۲۴۲) از منظر ارتباط و پیوستگی خیلی دشوار است، پس ما بر آن بخش متمرکز می شویم.

پس از مقدمه (۱-۳۹)، بخش نخست (۴۰-۱۲۱) انتقاد از یهودیان عربستان را مطرح می کند. در این بخش، مسلمانان همچون امتی در برابر امت یهود معرفی می شوند. ولی در بخش دوم (۱۲۲-۱۶۲) چنین ادعا می شود که امت اسلامی نشانگر استمرار مسیر معنویت ابراهیمی است. بدین سان مسلمانان شاخص ترین نماد میراث ابراهیمی، کعبه را از آن خود می دانند. بنابراین کعبه به عنوان قبله آنان اعلام می شود که به روشنی مستلزم آن است که آنان باید خود را برای آزاد ساختن میراث ابراهیمی از دست متصدیان بی لیاقت آن یعنی قریش، آماده کنند. ولی این امت جدید نخست نیازمند مجموعه قوانین (شریعت) است و این مطلبها را به بخش سوم می رساند.

این بخش با بیانی درباره اصل اساسی شریعت جدید، توحید آغاز می شود (آیات ۱۶۳-۱۶۴). سپس توحید با بت پرستی که مورد نقد است، مقایسه می شود (۱۶۵-۱۶۷). همانند دیگر جاهای قرآن، موضوع بت پرستی به موضوع غذاهای حلال و

حرام می انجامد (۱۶۸-۱۷۶)<sup>۳۶</sup>. پس از تأکید بر اینکه رفتار انسان باید آکنده از تقوا باشد (۱۷۷)، قوانین عملی مهم برای حفظ صلح و عدالت در جامعه ارائه می شوند، که شروع آنها با قوانین مربوط به حرمت نفس و احترام به جان انسان (۱۷۸-۱۷۹)؛ و حرمت مال و احترام به دارایی های دیگران (۱۸۰-۱۸۲) و نیز حکم ابتدایی مربوط به تقسیم متناسب ارثیه است. احترام به جان و مال دیگران مستلزم تمرین خوشتن داری است و روزه به عنوان وسیله تلقین این انضباط توصیف شده است (۱۸۳-۱۸۷). روزه با از میان بردن حرص، انسان را از غضب دارایی های دیگران از راه هایی مثل رشوه خواری باز می دارد (۱۸۸). موضوع روزه به موضوع حج و جهاد می انجامد. ارتباط آنها روشن است، هر سه اینها وسیله انضباط روح اند. ولی حج و جهاد در اینجا مناسبت دیگری دارند.

چنان که در بالا ذکر شد، کعبه باید با زور یعنی جهاد از دست قریش رها شود. ولی جهاد برای آزادسازی کعبه سبب به وجود آمدن پرسش هایی شد، مثلاً اگر باید جهاد را به عهده گرفت، در ماه های حرام چه باید کرد؟<sup>۳۷</sup> (۱۸۹-۱۹۴). سپس موضوع انفاق یا خرج کردن مال در راه خدا مطرح می شود؛ زیرا هزینه جهاد باید تأمین شود (۱۹۵). آیات ۱۹۶-۲۰۰ روح حقیقی و روش مناسبی را که حج و عمره باید طبق آن انجام شود، وصف می کنند. آیه ۲۰۰ از افرادی سخن می گوید که حتی از موسم حج نیز فقط برای اهداف دنیوی بهره می برند. آیات ۲۰۴-۲۱۴ شخصیت این افراد، منافقان را با شخصیت مؤمنان حقیقی مقایسه می کند. ولی این قطعه معترضه است به طوری که با شروع آیه ۲۱۵، بحث دوباره به موضوع جهاد و انفاق بر می گردد. گزارش بقیه این بخش را کوتاه می کنیم. مشکلات بسیاری را به همراه دارد که از آن جمله مشکل یتیمان و

۳۳. برای جزئیات بیشتر بنگرید به Mir, pp. 39-41

34. Ibid, pp. 46-49.

۳۵. گزارش ذیل عمدتاً از توضیحات اصلاحی درباره روابط میان این بخش ها که او این سوره را به آنها تقسیم کرده و در جاهای مختلفی از تفسیرش بر این سوره عرضه شده، تلخیص شده است. برای خلاصه خود اصلاحی از این سوره بنگرید به: اصلاحی، ج ۱، ص ۳۲-۳۶.

۳۶. زیرا بت پرستی مشتمل بر تقدیم قربانی به بت هاست که خوردن این قربانی ها حرام است. چنان که آیات ۱۶۸-۱۷۳ سوره بقره می گوید: شیطان بر مردم تلقین می کند که چنین قربانی هایی انجام دهند و افرادی که چنین کاری می کنند پشتوانه بهتری از سنت نیاکانشان بر این کار ندارند. در همین رابطه است که اهل کتاب (۱۷۵-۱۷۶) مورد انتقاد قرار می گیرند.

۳۷. اصلاحی واژه «أهله» در آیه ۱۸۹ را به «ماه ها» معنا می کند یعنی «ماه های حرام» نه به «منازل قمر». بنگرید به اصلاحی، ج ۱، ص ۲۴۷-۴۲۸.

سپس سید قطب، طباطبائی، ثنوی و دروزه.

اگر اندیشه «سوره به عنوان واحد پیوسته» ریشه گرفته باشد -و به نظر می‌رسد که همچنان در حال گسترش است- این بدان معناست که در میان مفسران جدید نارضایتی پایدارتری نسبت به رویکرد سنتی به این موضوع وجود دارد. عجیب آنکه این نارضایتی هیچ‌گاه بیان نشده است و اگر بیان نشود هیچ‌گاه شکل نقادی سلبی جدی را به خود نمی‌گیرد و این تصور را به وجود می‌آورد که کسی فکر کند که قرآن آشفته است؛ هر چند چنان‌که دیدیم بیان درست‌تر آن است که قرآن، آشفته نیست. احترام به سنت تفسیری چندین قرن یا ترس از برهم زدن نابه‌هنگام آن سنت را می‌توان مسبب چنان نگرشی دانست.

۲. دیدگاه سوره به عنوان واحد پیوسته، بومی جهان فکری اسلامی است. علاوه بر اینکه هیچ شهادی بر تأثیر پژوهش‌های قرآنی غربیان بر شش نویسنده مذکور -که عمدتاً پیشینه سنتی شان مانع چنین احتمالی است- وجود ندارد، بلکه در آن پژوهش‌های قرآنی نیز چیزی وجود ندارد که این پدیده را توجیه کند. بل وات (Bell-Watt) از نولدکه (Noldeke) به سبب تلقی سوره‌ها به عنوان واحدهای پیوسته انتقاد کرده است<sup>۳۸</sup>. ولی این موضوع یکسره فرقی می‌کند؛ چون نه نولدکه سوره‌ها را به عنوان واحدهای پیوسته می‌دانست به آن معنایی که عالمان مسلمان در نظر دارند، و نه انتقاد بل وات بر پایه چنان تلقی‌ای قرار داشت. ولی ممکن است شهادی بر تأثیر غیر مستقیم غربیان در این باره پیدا شود. به نظر می‌رسد که دست کم برخی از نویسندگان مسلمان در تلاش شان برای از میان بردن این تصور که قرآن ناپیوسته است، نقدهای غربیان از قرآن را در ذهن داشته‌اند و آن ممکن است از طریق منابع دست دوم مانند مبلغان مسیحی در جهان اسلام به آنان رسیده باشد. به این نقدها می‌توان ملاحظات و تردیدهایی را افزود که مسلمانان به اصطلاح غرب زده درباره ساختار قرآن اظهار کرده‌اند. ولی شاید عامل مهم‌تری در میان باشد.

در قرن بیستم در میان مسلمانان درك رو به رشدی وجود داشته است مبنی بر این که کار تفسیر اسلام باید با قرآن آغاز

بیه‌زن‌هاست، یک راه برای حل این مشکلات تجویز ازدواج مردان با این بیه‌زنان است. این امر زمینه را برای بررسی مسائل کلی مربوط به ازدواج و طلاق آماده می‌کند. این بحث تا آیه ۲۳۷ ادامه می‌یابد. آیات ۲۳۸-۲۴۲ با ارائه مطالبی تکمیلی به این بخش پایان می‌دهند. در بقیه این سوره شاید تنها بخشی که توضیح آن از منظر پیوستگی آیات دشوار است ماجرای جنگ بنی اسرائیل علیه فلسطینی‌هاست (۲۴۳-۲۵۱). به نظر اصلاحی بنی اسرائیل برای باز پس‌گیری قبله خود (تابوت عهد) به آن جنگ پرداختند، و مبارزه آنان نشان و حکایت از مبارزه مسلمانان برای آزادسازی قبله خود، کعبه دارد.

### تفسیر قرن بیستم: تحلیل

۱. از آنجا که خیلی از مفسران قرآن که به مناطق مختلفی از جهان اسلام تعلق دارند، بر این عقیده‌اند که سوره‌های قرآن واحدهای پیوسته‌اند و سپس این تلقی را درباره قرآن به کار می‌گیرند، پس منطقی است که نتیجه بگیریم این عقیده در میان مفسران ریشه دوانده است. قابل توجه است که هیچ شهادی بر اینکه برخی از این مفسران در اتخاذ این عقیده از برخی دیگر اثر گرفته باشند، وجود ندارد. بلکه تقریباً قطعی است که هر یک از آنان مستقلاً به این باور رسیده‌اند. ولی این اصلاً عجیب نیست؛ زیرا چنانکه در ذیل خواهیم گفت، برخی از فشارهای پدیدآمده از سوی مدرنیته برای جهان اسلام مشترک است و می‌تواند واکنش‌های مشابهی را از نقاط مختلف برانگیزد.

شش نویسنده مذکور نه تنها اندیشه سوره به عنوان واحد پیوسته را تأیید می‌کنند، بلکه به نظر می‌رسد در رویکردی کاملاً مشابه به این موضوع سهیم‌اند. مثلاً همگی آنان رویکردی تحلیلی-ترکیبی را به کار می‌برند: نخست سوره را به بخش‌هایی تقسیم می‌کنند و آن‌گاه روابط میان آن بخش‌ها را به اثبات می‌رسانند. بخش‌بندی یک مفسر از سوره ممکن است با بخش‌بندی مفسر دیگر از همان سوره متفاوت باشد. ولی فرض زیربنایی همواره آن است که این بخش‌ها را می‌توان به صورت گفتاری متصل به هم ربط داد. با این همه در رویکردهای این نویسندگان تفاوت‌هایی نیز وجود دارد. برای مثال بررسی دقیق‌تر تفسیرهای آنان نشان می‌دهد که رویکرد برخی از آنان نظام یافته‌تر و کل‌نگرانه‌تر -و لذا منسجم‌تر- از رویکرد بقیه است. اگر همین معیار را به کار ببریم، می‌توان آنها را چنین مرتب کرد: فراخی-اصلاحی در صدر فهرست قرار می‌گیرند،

38. Bell's Introduction to the Qur'an, revised and enlarged by W. Montgomery Watt (Edinburgh 1970), p. 111.

[ریچارد بل، درآمدی بر تاریخ قرآن، بازنگری و بازنگاری مونتگمری وات، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، مرکز ترجمه قرآن مجید به زبان‌های خارجی، ۱۳۸۲، ص ۱۷۱].

شود. قرآن همواره به عنوان نخستین منبع شناخت اسلام بوده است. ولی وقتی متوجه شویم که نوشته های بی شماری بر این تقدّم تأکید دارند، دشوار نیست که ببینیم پیام آنها آن است که منابع فراقرائی، که استفاده از آنها به طور بسیار اساسی تفسیر قرآن را تحت تأثیر قرار داده است، باید به طور دقیق و انتقادی بررسی شوند. به عبارت دیگر متن قرآن باید نخستین داور معنای قرآن شود. ولی اگر شدت الزامات هرمنوتیکی فراقرائی باید بر طرف یا کاسته شود، در این صورت الزامات هرمنوتیکی دیگر از خود قرآن باید جایگزین شود. این امر به طور منطقی منجر می شود به این که به اهمیت تعیین کننده برای سیاق قرآن قائل شویم. ولی بنابراین دیدگاه که قرآن ماهیتی اتم وار دارد و رویکرد آیه-به-آیه به قرآن بهترین رویکرد است، سیاق قرآن را نمی توان دارای چنان اهمیتی دانست. سیاق قرآن تنها وقتی می تواند چنان اهمیتی داشته باشد که قرآن کتابی دارای درجه بالایی از ارتباط و پیوستگی دانسته شود. بدین سان می توان گفت: مدرنیته شرایطی را فراهم کرده است که تحت آنها دیدگاه سوره به عنوان واحد پیوسته دیدگاهی ممکن الأخذ و بلکه لازم الأخذ شده است.

۳. پرسش تعیین کننده این است: این دیدگاه چه تفاوتی را پدید می آورد؟ گفتن این که سوره های قرآن واحدهای پیوسته اند، چه معنایی دارد؟ آیا این دیدگاه صرفاً قرآن را به لحاظ زیبایی شناسی خوشایندتر می کند، تا اینکه ویژگی ارتباط و پیوستگی که پیش از این عموماً در قرآن وجود نداشت، اکنون در آن موجود دانسته شود، یا این که این دیدگاه اهمیت هرمنوتیکی مشخصی هم دارد؟ در این مرحله نمی توان به این پرسش پاسخ کاملی داد. درباره نویسنده ای مثل اشرف علی ثنوی که با وسواس تمام بر کل مجموعه سنت برای تفسیر قرآن اعتماد می کند و همواره به آن متوسل می شود، احتمال کمی هست که این دیدگاه به اصلی دارای ارزش هرمنوتیکی تحوّل یابد. ولی درباره نویسندگانی مانند فراحی، اصلاحی و سید قطب که کاملاً بنیاد ستیزند، به نظر می رسد این دیدگاه به چنان اصل تحوّل یافته است. مثلاً این سه نویسنده اغلب در حمایت از تفسیر سیاق-بنیاد (context-based) قرآن، اسباب النزول را ردّ می کنند. مثال مشخصی بزنیم: اصلاحی درباره این دیدگاه عموماً پذیرفته شده که سوره علق: ۱-۵ نخستین سوره نازل شده است، سخن می گوید، او می گوید: این سوره، یک واحد ناگسسته است به این معنا که همه ۱۹ آیه آن باید هم زمان نازل

شده باشد. ولی آیات ۶-۱۹ همان طور که نگاهی سریع به محتوای آنها حاکی از آن است، نمی توانند نخستین آیات نازل شده، باشند. نتیجه آن که آیات ۱-۵ نیز نمی توانند نخستین وحی باشند<sup>۳۹</sup>.

بنابراین آزمون واقعی نظریه سوره-به-عنوان-یک واحد (sura-as-a-unity) آن است که آیا این نظریه، روش جدیدی را برای بررسی قرآن پدید می آورد؟ آیا این نظریه از یک سو توانایی دارد شیوه هایی را پدید آورد که به برقراری روابط قابل قبولی میان آیات و فقرات قرآن کمک کنند و از سوی دیگر قادر بر پدیدآوردن معنایی باشد که بدون آن نتوان پدید آورد؟<sup>۴۰</sup> در اینجا می توانیم خاطر نشان کنیم که نویسندگان جدید اگر همچون گروهی لحاظ شوند، به رغم تفاوت های موجود در رویکردشان، سوره را به شیوه ای می نگرند که با شیوه نویسندگان سنتی مانند رازی تفاوت چشمگیری دارد. به طور کلی، با تکرار تعبیرات پیشین می توان گفت که رویکرد نویسندگان سنتی (بخش اول) خطی-اتم نگارانه (linear-atomistic) است، در حالی که رویکرد نویسندگان جدید (بخش دوم) اندام وار-کل نگارانه (organic-holistic) است. و این بی تردید نشانه نویدبخشی است. در این مرحله برخی اظهارات حدسی را نمی توان بی جا دانست.

۴. گلدزیهر (Goldziher) با اشاره به تفاسیر اولیه قرآن، اظهار می کند که نمی توان از تفسیر سنتی قرآن که معیار یا یکسان باشد سخن گفت؛ زیرا چنین چیزی وجود ندارد و از یک عبارت قرآنی تفسیرهای نه تنها مختلف، بلکه متضاد وجود دارد<sup>۴۱</sup>. این مطلب درباره تفاسیر بعدی قرآن نیز صادق است، تفاسیری که تا حد زیادی نسخه برداری از تفاسیر اولیه اند. به نظر می رسد علت اصلی چنین تفسیرهای متفقاوت و نامتجانس، رویکرد اتم نگارانه مفسران است. از آنجا که معمولاً می پندارند که در یک زمان تنها یک آیه باید شرح شود،

۳۹. درست است که بنابر برخی روایات نیز سوره علق نخستین سوره نازل شده نبوده است. ولی مسئله آن است که اصلاحی نه بر پایه روایات، بلکه از طریق به کار گرفتن اصل نظم به این نتیجه می رسد.

۴۰. اثر فراحی و اصلاحی بینش های جالبی در این خصوص عرضه می کند و به احتمالات کنجکاری برانگیزی اشاره می کند. من در پژوهشی دیگر که هم اکنون در مرحله آماده سازی است، این موضوع را به تفصیل بحث خواهم کرد.

41. Ignaz Goldziher, *Die Richtungen der islamischen Koranauslegung*, Leiden 1970 reprint, (first published 1920), p. 83.

برجسته کردن پدیده‌ای جدید در تفسیر قرآن، به چنان بررسی‌هایی نیاز نداشت. با این همه انجام آن بررسی گام بعدی خواهد بود.

اگر چه این دیدگاه که سوره‌های قرآن واحدهای پیوسته‌اند، ظاهراً جا افتاده و انکار آن کار دشواری است، ولی کاملاً روشن نیست که این دیدگاه به چه شیوه یا شیوه‌هایی گسترش خواهد یافت. بیشتر عهده‌داران رویکرد سوره به عنوان یک واحد عالمان سنتی‌ای‌اند که حاضر نیستند در احتمالات قابل طرح فراتر از حد معین آن رویگرد، کاوش کنند. این مسئله را که آیا این دیدگاه صرفاً به گرایشی نهفته تبدیل می‌شود، نه به موجی شدید، به حدیث نفسی تفسیری تبدیل می‌شود، نه به اصل تفسیری خیلی مهم، باید به انتظار نشست. جالب خواهد بود ببینیم که این تحول جدید در اندیشه تفسیری مسلمانان چگونه بر پایه مبانی علمی غربی پیش می‌رود. از یک سو عالمان غربی نمی‌توانند آن را نادیده بگیرند و از سوی دیگر عالمان مسلمان در تلاش برای تضمین درستی این تحول نمی‌توانند از آرای غربیان درباره ترکیب قرآن چشم‌پوششند. اگر این مقاله نیاز عالمان مسلمان و غربی را به بحث از تحولی جدید، تفهیم کرده باشد، به مراد خود رسیده است<sup>۴۶</sup>.



42. Ibid, pp. 84- 85.

۴۳. بنگرید به

Mustansir Mir, 'Jihad in Islam; forthcoming, Andrew Ehrenkretz Festschrift, Center for Middle Eastern and North African Studies, University of Michigan, Ann Arbor.

44. Toshihiko Izutsu, *God and man in the Koran*, New York 1980 reprint, (first published 1964), p. 74.

[توشیهیکو ایزوتسو، خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، ص ۹۱].

۴۵. احمد مختار برزه در کتاب فی اعجاز القرآن، دراسة تحليلية لسورة الانفال، المحتوا و البناء (دمشق و بیروت ۱۴۰۸ / ۱۹۸۸) با الهام از فرض سوره به عنوان یک واحد (مثلاً ص ۵۳۲: فالسورة وحدة عُدویة ذات بنية حیة، عناصرها متضامة فی تلائم و توافق و انسجام، تکامل آیه آیه علی متن خط متصل من السبب الوثيقة) جنبه‌های ادبی سوره انفال را تحلیل می‌کند.

۴۶. مایلم از خانم پروفیسور و داد القاضی به سبب اظهارات ارزشمندش درباره این مقاله سپاس‌گزاری کنم.

دیگر بررسی آیات قبل و بعد برای رسیدن به تفسیری که به لحاظ سیاق، مناسب و موجّه باشد، مهم تلقی نمی‌شود. گلدزیه‌ر همچنین خاطر نشان می‌کند که علمای اسلامی امکان همه نوع تفسیرهای مختلف از یک آیه قرآن را دلیلی بر غنای قرآن می‌دانند<sup>۴۲</sup>. ولی حقیقت آن است که کاربرد اصل اتم‌نگارانه درباره قرآن، نه تنها قرآن را به یکی با لایه‌های فراوان، بلکه به توده ملاطی بی‌قواره تبدیل می‌کند. دیدگاه سوره به عنوان واحد پیوسته، اگر به درستی شرح و بسط یابد، می‌تواند به پایان دادن تفسیرهای بی‌قاعده و خودسرانه و فراهم کردن تفسیری معتبرتر و پربارتر از قرآن کمک کند. دو حوزه‌ای که در آنها این تحول، هر چند به شیوه‌های متفاوت، می‌تواند رخ دهد عبارت‌اند: از حقوق و ادبیات.

در حقوق نسبت دادن اهمیت تعیین‌کننده به سیاق برای مقاصد تفسیری، لازمه منطقی دیدگاه سوره به عنوان یک واحد است. دو تن از عالمان مصر، محمود شلتوت و ابوزهره که نمی‌توان آنها را به شرمندگی بی‌دلیل در برابر مدرنیته متهم کرد، بررسی سیاق‌مندی (contextualized) از آیات مربوط به جنگ و صلح انجام داده‌اند و مستقل از یکدیگر به این نتیجه رسیده‌اند که از منظر قرآن، نقطه شروع در حقوق بین الملل صلح است نه جنگ، و قرآن، جنگ را تنها برای دفع تجاوز یا پایان دادن به ظلم تجویز می‌کند<sup>۴۳</sup>.

برخی از جنبه‌های ادبی قرآن مانند عناصر نمایشی را می‌توان تنها با این فرض که ترکیب قرآن حفظ شود، به نحو سودمندی بررسی کرد. توشیهیکو ایزوتسو (Toshihiko Izutsu) می‌گوید: قرآن با نوعی «نمایش معنوی پرشور» ویژگی یافته است<sup>۴۴</sup>.

فرض مذکور ممکن است به بررسی‌هایی بینجامد که نشان دهند قرآن با نمایشی پرشور به معنای ادبی نیز ویژگی یافته است. بنابر این راه‌های جدید بررسی قرآن به عنوان متنی ادبی می‌تواند باز شود<sup>۴۵</sup>.

## اظهارات پایانی

امیدوارم توفیق یافته باشم نشان دهم که شمار قابل توجهی از عالمان اسلامی جدید، سوره‌های قرآن را واحدهای پیوسته می‌دانند. من سعی نکردم بررسی مفصلی از روش‌های آنان ارائه دهم، نه تنها از آن رو که چنین کاری در این مقاله امکان‌پذیر نبوده، بلکه بدان جهت که وظیفه‌ای را که به عهده گرفتم یعنی

